

سوانح جاده‌ای چگونه آمار زنان سرپرست خانوار را بالا می‌برد؟

مادرانی که بایک تصادف پدر هم می‌شوند!

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور: در حال حاضر تعداد ۲۸۰ هزار و ۵۰۰ زن سرپرست خانوار از خدمات حمایتی بهره‌مند هستند که ۲۰ درصد آنان یعنی معادل ۵۶ هزار و ۱۰۰ نفر به علت فوت همسر در تصادف، تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور قرار گرفته‌اند



از سیدمهدی انزلی

اگر به آینه‌ها آماری نگاهی بیندازیم متوجه خواهیم شد براساس سرشماری سال ۱۳۷۵، بیش از یک میلیون نفر از سرپرستان خانوار را زنان تشکیل می‌دادند اما در آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ زنان سرپرست خانوار به بیش از ۳ میلیون نفر افزایش یافته است. علاوه بر افزایش تعداد، سهم خانوارهای زن سرپرست از کل خانوارها نیز افزایش یافته است. به بیان دیگر در فاصله میان سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵، سهم خانوارهای زن سرپرست از ۸/۴ به ۱۲/۷ درصد افزایش یافته است

حاضر تعداد ۲۸۰ هزار و ۵۰۰ زن سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور هستند که طلاق، فوت و از کارافتادگی همسر از جمله مهم‌ترین دلایلی است که به حمایت مستمر از سوی سازمان بهزیستی از این گروه از زنان منجر شده است. وی به فوتی‌های ناشی از تصادفات به عنوان دلیل دیگر حمایت از زنان سرپرست خانوار اشاره می‌کند و می‌افزاید: «پیامدهای فوتی‌های ناشی از تصادفات در قالب زنان سرپرست خانوار و فرزندان بی‌سرپرست خود را نشان می‌دهد و معلولیت‌های ناشی از تصادفات به بزرگ‌تر شدن سازمان‌های اجتماعی ایران برای ارائه خدمات منجر می‌شود.»

طبق توضیحات معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور یکی از ویژگی‌های جامعه امروزی بهره‌گیری بیشتر از صنایع و تکنولوژی هاست که در این میان صنعت خودرو جایگاه ویژه‌ای دارد. در همین زمینه یکی از نگرانی‌هایی که در سال‌های اخیر در کشور ایجاد شده، آمار بالای تصادفات رانندگی و فوتی‌های ناشی از آن است. طبق اعلام پزشکی قانونی، در سال گذشته تعداد تلفات حوادث رانندگی بارشند ۲۸/۸ درصدی به ۲۰ هزار و ۴۵۰ نفر رسید.

توجه به بازماندگان تصادفات رانندگی
در افزایش آمار تصادفات سه عامل نیروی انسانی، جاده‌های ناایمن و کیفیت پایین خودروها تأثیر گذار هستند، به رغم اینکه در سال‌های گذشته روند فوتی‌ها از حدود ۲۷ هزار به حدود ۱۶ هزار نفر کاهش یافته اما در سال گذشته افزایش مرگ و میر را داشتیم که روزانه حدود ۵۵ نفر و هر ساعت دو تا سه نفر بر اثر تصادفات رانندگی در ایران جان خود را از دست می‌دهند.

به گفته چلک در افزایش آمار تصادفات سه عامل نیروی انسانی، جاده‌های ناایمن و کیفیت پایین ایمنی خودروها تأثیر گذار هستند، به رغم اینکه در سال‌های گذشته روند فوتی‌ها از حدود ۲۷ هزار به حدود ۱۶ هزار نفر کاهش یافته اما در سال گذشته افزایش مرگ و میر را داشتیم که روزانه حدود ۵۵ نفر و هر ساعت دو تا سه نفر بر اثر تصادفات رانندگی در ایران جان خود را از دست داده‌اند.

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با پیوستن به پوشش «نه به تصادف» تأکید می‌کند: «مانمی‌توانیم بنشینیم و بعد از تصادفات به فکر ارائه خدمت به بازماندگان این حوادث باشیم. بدون شک در چنین شرایطی علاوه بر تدوین ضوابط و مقررات قانونی باید نسبت به اخلاق حرفه‌ای در رانندگی هم توجه ویژه کرد؛ موضوعی که نشان می‌دهد علاوه بر رعایت قوانین و مقررات رانندگی باید به یادها و نیایدیهای اخلاقی که جنبه قانونی هم ندارند، توجه شود.»

زنان سرپرست خانوار و کودکان بی‌سرپرست «میوه تلخ» سوانح جاده‌ای
برخی از پژوهش‌های نشان می‌دهد سه پنجم علت اصلی تصادفات نیروی انسانی عامل رفتاری است. موسوی چلک معتقد است: حال که به رغم اقدامات و تلاش‌های ارزنده پلیس در این زمینه موفق به کاهش چشمگیر کشته‌شدگان نشده و نتوانسته‌ایم برای داشتن جاده‌های ایمن و خودروهای با کیفیت خواسته‌های مان را عملیاتی کنیم، بنابراین می‌توانیم با راه‌اندازی پوشش‌های مختلف از جمله پوشش نه به تصادف همدارها را به عامل انسانی بدهیم چراکه معتقدیم پیامدهای فوتی‌ها در قالب زنان سرپرست خانوار و فرزندان بی‌سرپرست و معلولیت‌های ناشی از تصادفات به بزرگ‌تر شدن سازمان‌های اجتماعی ایران برای ارائه خدمات منجر می‌شود.

این امر بار مالی زیادی را بر دوش دولت می‌گذارد و از همه مهم‌تر نیروی انسانی را به عنوان مهم‌ترین منبع توسعه کشور از چرخه فعالیت خارج می‌کند. در این میان آسیب‌پذیری کودکان، نوجوانان و جوانان که آینده‌سازان کشور هستند برای ما بسیار گران خواهد بود.

۱۳۹۶ به ۲۷۸ هزار و ۳۵۲ در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. همچنین تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) هم از یک میلیون و ۱۵۶ هزار و ۶۰۶ نفر در سال ۱۳۹۶ به یک میلیون و ۲۶۴ هزار و ۲۶۹ نفر در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است.

رشد زنان سرپرست خانوار در آینه‌ها
اگر به آینه‌ها آماری نگاهی بیندازیم، متوجه خواهیم شد براساس سرشماری سال ۱۳۷۵، بیش از یک میلیون نفر از سرپرستان خانوار را زنان تشکیل می‌دادند، اما در آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ زنان سرپرست خانوار به بیش از ۳ میلیون نفر افزایش یافته است. علاوه بر افزایش تعداد، سهم خانوارهای زن سرپرست از کل خانوارها نیز افزایش یافته است. به بیان دیگر در فاصله میان سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵، سهم خانوارهای زن سرپرست از ۸/۴ به ۱۲/۷ درصد افزایش یافته است.

علاوه بر این طبق اطلاعات منتشر شده در مرکز آمار ایران تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور از ۱۸۰ هزار و ۱۲۰ نفر در سال

معلولان و فوتی‌های حوادث جاده‌ای هستند، کنترل این حوادث، سوانح و تلاش برای کاهش نرخ آنها فراینده زنان شاغل، کاهش نرخ تولد و روند رو به رشد جمعیت سالمند، خانواده را در طول سال‌های اخیر دچار چالش و تغییر کرده است.

بر این اساس رشد روزافزون خانوارهای زن سرپرست در ایران، یکی از تحولات نهاد خانواده تلقی می‌شود که به استناد آمارهای رسمی کشور به وقوع پیوسته است. این مسئله در واقع نشانه‌ای ثانویه از رشد برخی از معضلات و آسیب‌هایی است که وقوع‌شان به رشد آمار زنان سرپرست خانوار منجر می‌شود. عواملی همچون سوانح و تصادفات جاده‌ای یا طلاق و اعتیاد که از جدی‌ترین علل افزایش آمار زنان سرپرست خانوار هستند برای مدیریت و مواجهه درست با این پدیده باید زمینه‌ها و علل وقوع آن را مدیریت کرد.

بر این اساس در آستانه سال جدید و آغاز سفرهای نوروزی و با عنایت به آمار تأسیف‌برانگیز تصادفات، سوانح جاده‌ای و مرگ‌ها و معلولیت‌های ناشی از آن و با عنایت به اینکه به لحاظ آماری ۲۰ درصد، یعنی یک پنجم از زنان سرپرست خانوار اعضای خانواده

هم پدر است و هم مادر. دست‌هایش پر اثر کارهای سنگین و به دوش کشیدن یک تنه تمام مسئولیت‌های زندگی دیگر لطافت زنانه ندارد. انگار زنانگی‌هایش را پشت یک مسئولیت سنگین جا گذاشته و ظرافت‌های زنانه‌اش را به فراموشی سپرده است تا بتواند هر وقت لازم شد در قامت یک مرد تمام‌عیار زندگی‌اش را مدیریت کند و کارها را پیش ببرد. او یک زن سرپرست خانوار است و این سرپرست خانوار بودن ا بیجاب می‌کند یک تنه هم نقش مادر را در زندگی بازی کند و برای خانواده و فرزندان مادرانگی داشته باشد و هم

قامت راست کند و مانند یک مرد و در دست شبیه پدر خانواده نان آور اعضای خانواده‌اش باشد و با تن ضعیف و رنجورش بکوشد اعضای خانواده و به قول خودمانی‌تر، نان خورهای کمترین رنج و آسیب را در زندگی تجربه کنند. از سفر و شیدین صدای ترمز ماشین هراس دارد و برایش یاد آور تلخ‌ترین خاطره زندگی‌اش است. او هم مانند ۲۰ درصد دیگر از زنان سرپرست خانوار به واسطه تصادف و سانحه رانندگی همسرش را از دست داده و حالا ناگزیر است خودش بار خانواده را به دوش بکشد و یک زن سرپرست خانوار باشد.

زنان سرپرست خانوار یکی از اقشار در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند که نیازمند حمایت و پیگیری دستگاه‌ها و نهادهای حمایتی هستند؛ زنانی که ناگزیرند مردانه در میدان زندگی بجنگند و برای آسایش اعضای خانواده خود تمام هم و غم‌شان را بگذارند و نان آور خانه و خانواده باشند؛ زنانی که اشتغال‌شان از زوری انتخاب نیست بلکه از زوری اجبار است و تعدد نقش‌های زندگی فشار مضاعفی را بر دوش‌شان می‌گذارد و موجب می‌شود بیش از پیش آسیب ببینند و ناگزیر از تلاش و کوشش باشند؛ مادری که نه فقط نقش پرچالش و سخت مادری را باید به عهده بگیرد بلکه نقش ایفای نقش پدری و نان‌آوری هم بر عهده آنهاست. نکته قابل تأمل اینکه طبق آمارهای منتشر شده، آمار زنان سرپرست خانوار رو به افزایش است؛ چالشی که نیازمند بررسی و تدابیر پیشگیرانه است چراکه در صورت فقدان نگاه پیشگیرانه به حوزه زنان سرپرست خانوار، این معضل هم مانند سایر معضلات اجتماعی می‌تواند هزینه‌های متعددی را برای جامعه در پی داشته باشد و نهادهای حمایتی از پس این روند افزایشی بر نمی‌آیند، هر چند همین حالا هم حمایت‌های حمایتی از زنان سرپرست خانوار آطور که باید و شاید نیست و زنان سرپرست خانوار باید به تنهایی کوهی از مشکلات را به دوش بکشند.

گروهی در معرض آسیب
زنان سرپرست خانوار به طور معمول بیشتر از سایر گروه‌های زنان در معرض آسیبند و این آسیب نه فقط خودشان بلکه گاهی اوقات خانوار تحت سرپرستی آنها را هم تهدید می‌کند، پس برای مواجهه با این پدیده به نگاه پیشگیرانه داشتن به آن لازم است. علل سرپرستی خانوار شدن آنان مورد بررسی قرار گیرد. در نگاهی اجمالی سرپرست خانوار شدن زنان دلایل متعددی دارد و خیلی وقت‌ها خودش ماحصل آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه است.

آرام شب بخیر



کتاب «آرام شب بخیر» مجموعه داستانی از راضیه تجار است که به تمی مختلف به بیان مسائل و مشکلات زنان می‌پردازد. این اثر مجموعه داستان‌هایی است که هر کدام پاره‌هایی از وجود یک زن هستند، اما وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، یک انسان کامل را شکل می‌دهند. این زن الزاماً نویسنده داستان‌ها نیست، بلکه می‌تواند نماد و نشانه‌ای از همه زن‌های یک سرزمین باشد، با رنج‌ها و شادی‌های‌شان، با ترس‌ها، تردیدها و آرزوهایی که گاه دور از دست به نظر می‌رسند. زنان این کتاب به سه دسته تقسیم می‌شوند، یک گروه زنانی هستند که اسیر فقر، بی‌فرهنگی یا خودخواهی اطرافیان‌شان هستند و از قدرت تصمیم‌گیری چندانی برخوردار نیستند. گروه دیگر، زنانی هستند که گاه مرفه به شمار می‌آیند ولی خود، خواهان رنج عشق یا رنج زندگی هستند و دسته سوم زنانی هستند که مردها نقش چندانی در زندگی و سرنوشته‌شان ندارند چراکه خودشان راه تحول، تنزل یا ارتقا را برمی‌گزینند. با این همه، زنانی که نویسنده در کتاب «آرام شب بخیر» خلق کرده است، در کنار همدیگر یک پیکره واحد را شکل می‌دهند.

وی برای شکل دادن به این پیکره واحد، در داستان اول کتاب یعنی «تیلوفران بر که خاموشی» از زنی حکایت می‌کند که به مردی غریبه و از خارج برگشته اعتماد و تکیه می‌کند اما مرد، او را به یک مرداب رهنمون می‌سازد. در داستان «آخرین پناه» اگرچه مرد خانواده در کنار و همدم زن است، اما وقتی زن در راهی سقوط می‌کند، این دل سیردن به دعا و اورادی آسمانی است که می‌تواند نجاتش دهد. داستان «از آسمانی دیگر» هم حکایت زنی تنهاست که آرزو دارد از آسمان یک فوج فرشته بیاید. نویسنده در داستان «بله‌ها»، زن قصه‌هایش را به دختری دبیرستانی بدل می‌کند که دوستی شفیق یافته است، اما انگار گذشت زمان، به معنای گم و محو شدن آن دست بوده است.

داستان‌های دیگر کتاب او هم ماجرای زنانی است تنها و معوم که مردهای زندگی‌شان هیچ راهی به خلوت و تنهایی غم‌انگیز آنها ندارند. البته که نویسنده، برای نشان دادن این تنهایی و تنگنا، هوشمندانه عمل کرده و هیچ‌گاه رک و صریح سخن نگفته است، بلکه همواره آدم‌های قهارش را در موقعیت داستانی قرار داده تا خواننده خود به حال و هوای شخصیت بی‌پربد.

این کتاب با رویکردی متنوع به بیان مسائل و مشکلات اقشار مختلف زنان می‌پردازد و سعی دارد موضوعات و شخصیت‌های داستان‌های خود را در جامعه خویش و در بین شخصیت‌هایی که همه ما شاید با آنها برخورد کنیم، نشان دهد. به طور حتم دغدغه نویسنده از نگارش چنین داستان‌هایی، ارتباط بین زن و مرد است. بیشتر این داستان‌ها شامل سرگذشت تلخ و شیرین زنانی است که هر یک به نوعی درگیر نابسامانی‌های زندگی هستند و دغدغه بیشتر آنان بی‌مهری و بی‌توجهی همسران‌شان است. در اغلب اوقات هر یک از این زنان خود را فدای دیگران به‌ویژه خانواده می‌کنند.

نویسنده این کتاب، روان‌شناسی قابل است. در واقع با بیان درد و رنج این زنان سعی در شناساندن بارهای نادرست آنها دارد و دنیای امروز و دیروز‌شان را به نمایش می‌گذارد. برای همین راه‌حلی ارائه نمی‌دهد، آنان به همان شکلی که زندگی برایشان مقدر کرده است، زندگی می‌کنند و می‌میرند.

در بخشی از کتاب آرام شب بخیر می‌خوانیم: زن عصبانی نگاهم می‌کند. طرح کف کفشم را از روی پایش پاک می‌کند. چتر واژگونش مثل گودال سیاه است. تلو تلو خوران پیش می‌روم... باران، رهگذران، سایه‌های گمشده، ابرهایی که آسمان را پر کرده‌اند... کوجه‌ها... کوجه‌های بی‌شمار... دستم را در جیبم می‌کنم. شانه‌ها ناله می‌کنند. مردی داد می‌زند: «لبوی داغ کنوری... دل دلبر...» بچه‌گریه‌ای که در گودالی افتاده ناله می‌کند. مغممه و روپوشم به تنم سپید... از سرما می‌لرزم... نه... از گرما...

صدای پدر، «عشق‌های پنجراهی...» صدای پدر، «عشق‌های خیابانی...» صدای پدر که در باد و باران گم می‌شود... چرا دیگر نمی‌شنوم چه می‌گوید؟ حالا به کوجه‌ای رسیدم که غیر از بقیه کوجه‌هاست. فقط به این دلیل که خانه‌تان در آن است. مثل باران می‌آیم. با باران می‌آیم فقط یک خانه هست که سردش را با لامپ‌های رنگی پوشانده‌اند... که لابه‌لای درختان کاج و سرو آن لامپ کشیده‌اند... که این لامپ‌ها روشن می‌شوند و خاموش که هم می‌سوزند و هم از جنس باران‌اند. جلوی در خانه، بچه‌ها صف بسته‌اند. جلوی در خانه شلوغ است. می‌آیم و می‌ایستم در پناه درختی. می‌گذارم به شاه‌هاش تکیه کنم. آب جوی، عکس وارونه‌ام را با خودش می‌برد. به داخل خانه نگاه می‌کنم. فواره می‌چرخد و کاسه گل‌ها سر خم کرده‌اند. کسی بالای منقل اسپند، چتر گرفته است. یک گودال سیاه وارونه. ماشینی به داخل کوجه می‌پیچد. یکی داد می‌زند: «به سلامتی عروس و داماد!» بچه‌ها هورا می‌کشند. لامپ‌ها روشن و خاموش می‌شوند. دستی که مشت اسپند توی آتش می‌ریزد. گر می‌کشم، ماشین غرق تور و شکوفه است. برف پاک‌کن‌ها تند و تند حرکت می‌کنند. از پشت مثلث‌هایی از باران که بلافاصله در هم می‌ریزند، تو را می‌بینم و بعد... او... فواره می‌چرخد و کاسه گل‌ها سر خم بچه‌ها و زن‌ها دوره‌تان می‌کنند. دهانم طعم شور خون می‌گیرد.